



ما و پرسش‌های نسل
چهارم انقلاب (قسمت اول)
#حرفم_را_
گوش_کن...!



خوانش کتاب
«در طلوع آزادی»
صکای
انقلاب
یک ملت



ما و پرسش‌های نسل چهارم انقلاب (قسمت اول)

ما و پرسش‌های نسل چهارم انقلاب (قسمت اول)

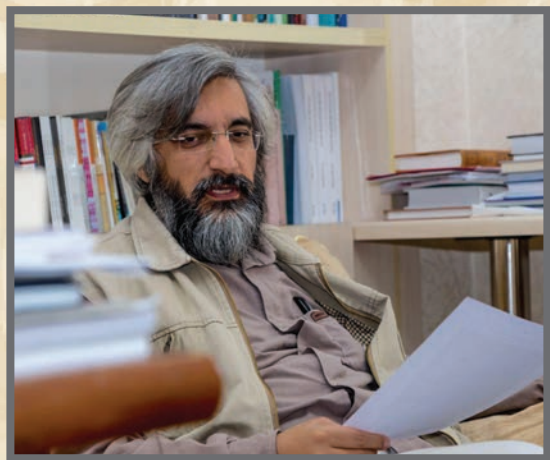
#حرفم_را_گوش_کن...!

فاطمه نیک | بیشتر ما وقتی رفیق‌های جان‌جانی را می‌بینیم به آن‌ها حسودی‌مان می‌شود و توی دلمان می‌گوییم کاش ما هم از این جور رفقا و رفاقت‌ها داشتیم، اما حواسمان نیست که معمولاً این جور چیزها توی زندگی همین‌طور الایتنکی به‌وجود نمی‌آید و خیلی از آشنایی‌ها و با هم بودن‌ها نتیجه یک عمر تلاش و فرازونشیب است. حالا حکایت ما و وطنمان است. اگر می‌بینی بعضی‌ها جانشان را هم برایش می‌دهند، به خاطر این است که عمری برای شناختش وقت گذاشته‌اند و راه‌ها با هم رفته‌اند. راه‌هایی که معمولاً با یک سؤال کوچک شروع می‌شود و به آشنایی‌های بزرگ می‌رسد. اگر شماره قبلی ویژه‌نامه «هشت» را خوانده باشید می‌دانید که چند شماره‌ای است که ما هم در طلب این آشنایی سراغ بزرگ‌ترهایی رفته و با آن‌ها به گفت‌وگو نشستیم و از آن‌ها سؤال‌هایی پرسیده‌ایم. در این نوبت سراغ آقای «وحید جلیلی» رفته‌ایم که سال‌هاست به عنوان یک انقلابی در حوزه فرهنگ و هنر فعالیت می‌کند. اگر دوست دارید در این گفت‌وگو هم با ما همراه باشید.

هویت ایرانی یا سهم‌خواهی منافات دارد

بعد از توضیح ایشان سراغ سؤال‌هایمان می‌رویم و به عنوان اولین سؤال می‌پرسیم که به نظرشان سهم ما از انقلاب اسلامی چیست که ایشان به نگاه متفاوتی به این سؤال پاسخ داده و می‌گویند: «این‌گونه پرسیدن با اساس تفکر فرهنگی ما و هویت ما در تضاد است، ما پرورش‌یافته تفکری هستیم که رویکرد اجتماعی دارد. فرهنگ ایرانی فرهنگ آرمان‌گرایی و فداکاری است که در انقلاب به اوج خودش رسیده است. وقتی هویت خود را کنار بگذاریم و فردگرایی را که محصول غرب است بپذیریم، حرف سهم و سهم‌خواهی به میان می‌آید. در پاسخ به این پرسش که سهم نسل چهارم از انقلاب پدران چیست، باید بگوییم که سهم شما همین فضایی است که در آن تنفس می‌کنید. مشکل از این‌جاست که نوجوان و جوان به خاطر شرایط سنی‌اش امکان درک بعضی از امتیازها را ندارد. اولین میراث این انقلاب استقلال است، ولی نسلی که هیچ درکی از سرسپردگی و ذلت ندارد، نمی‌تواند درک روشنی هم از نعمت استقلال داشته باشد. نسلی که ندیده انگلیس یک شاه را برمی‌دارد و به‌راحتی یک شاه دیگر را می‌گذارد، نسلی که تجربه حضور ۵۵هزار مستشار آمریکایی را در کشورش نداشته که هرچه می‌خواستند در کشور انجام می‌دادند و هیچ دادگاهی حق محاکمه‌شان را نداشت، مشخص است بدون این تجربه‌ها نتواند درک کاملی از استقلال امروز داشته باشد. سهم نسل امروز از انقلاب کشوری سرپلند، سرافراز و در حال پیشرفت و مستقل است.

میراث بعدی انقلاب برای نوجوان این است: نه‌پشتی صم چمن‌ش را به‌رمز کند، در کشورش است برقرار است و در کرامش زندگی می‌کند



فکر می‌کردند انقلاب نمی‌ماند

وقتی به آقای جلیلی می‌گوییم قرار است سؤال‌های نوجوان‌ها را به عنوان نسل چهارم انقلاب از شما بپرسیم، می‌گویند که می‌خواهد به عنوان مقدمه از ما بپرسد که ما وقتی می‌گوییم نوجوان، آیا درباره قشر خاصی که دسترسی به فضای مجازی و رسانه دارد، حرف می‌زنیم یا این‌که از دل نوجوانی روستایی در جنوب کرمان، خوزستان و سیستان یا شهرستان‌هایی دورتر هم خبر داریم و از جانب آن‌ها هم حرف می‌زنیم؟ بعد هم می‌گویند این‌طور نباشد که این سؤال‌هایی که تحت عنوان سؤال‌های نسل چهارم و به عنوان درخواست آن‌ها ارائه می‌شود، نتیجه القابات عده‌ای خاص باشد. عده‌ای که در میدان واقعی نتوانستند انقلاب را شکست دهند، با این‌که تصور می‌کردند این انقلاب چند ماه هم دوام نخواهد آورد، اما حالا می‌بینند این انقلاب به چهل‌سالگی خودش نزدیک می‌شود و نه‌تنها به تثبیت رسیده بلکه در منطقه به اب‌قدرت هم تبدیل شده است، به همین خاطر جنگ نرم را راه انداختند تا آن‌چه را که در میدان واقعیت نتوانستند به دست بیاورند، در فضای ذهنی و تصورات مخاطبان القا کنند.»

عزت میراث انقلاب برای این نسل

با این توضیح آقای جلیلی مدل پرسیدنمان را عوض می‌کنیم و می‌گوییم که پدرانمان با انقلاب چه میراثی برای ما به جای گذاشتند، ایشان در جواب می‌گویند: «میراث انقلاب برای این نسل عزت ایران است. برای این‌که این ماجرا را درک کنید مثالی می‌زنم؛ یکی از شیوخ عرب در فضای مجازی به ایران حمله کرده بود و کسی از همان کشورها کلمت گذاشته بود که ایرانی‌ها را کتور می‌سازند و ما کاباره! این حسرتی است که بسیاری از مردم کشورهای منطقه به آن دچار هستند. کشورهایی که امکانات بسیاری دارند، اما به دلیل رویکرد حاکمانشان که سلطه غرب را پذیرفته‌اند، یک کشور دست‌چندم در مناسبات جهانی شده‌اند. میراث بعدی انقلاب برای نوجوان این است که وقتی صبح چشم‌اناش را باز می‌کند، در کشورش امنیت برقرار است و در آرامش زندگی می‌کند. اگر به کشورهای همسایه‌مان توجه کنید، متوجه می‌شوید که در چه شرایطی قرار داریم و چقدر برقراری این امنیت سخت است و از چه نعمت بزرگی برخورداریم. امروز حتی در ترکیه که تصور می‌شود از بقیه کشورها شرایط بهتری دارد، حمله‌های تروریستی را می‌بینیم، کودتا را می‌بینیم، دیگر لازم نیست که از افغانستان و سوریه و سایر کشورها نام ببریم.

صم نسل امروز از انقلاب کشوری سرپلند، سرافراز و در حال پیشرفت و مستقل است

مهم‌ترین میراث انقلاب، انسان‌های متعالی‌اند

حرف که به این‌جا می‌رسد آقای جلیلی مکشی کرده و می‌گویند با این همه مهم‌ترین میراث انقلاب چیزی جز این‌هاست و ادامه می‌دهد: «میراث انقلاب مهم‌ترینش انسان‌هایی است که در آن پرورش پیدا کرده‌اند. شهید چمران، شهید شهریار و شهید اوینی سرمایه‌هایی هستند که در یک فاصله چهل، پنجاه‌ساله رشد کردند؛ آن‌هم در شرایطی که الگویی مثل خودشان را پیش‌رو نداشتند، در حالی که نسل امروز این الگوها را دارد. مگر در دنیا در یک نسل چند انسان بزرگ به وجود می‌آید؟ ببینید که شرایط انقلاب چه تعداد آدم‌های بزرگی را تربیت کرد. کسانی که در معنویت، آرمان‌خواهی و عدالت‌طلبی، در علم‌جویی و گسترش دانش، در معیارهای اخلاقی و انسانی، در مبارزه در میادین بین‌المللی اول بودند و از میدان‌های زیادی پیروز خارج شده بودند. کمتر کشوری پیدا می‌کنید که این همه قله و قهرمان داشته باشد؛ آن‌هم در چهل سال!»

طرح چند هزار سال، حکومت به ارث پدری تقسیم می‌شد، برود از نسل گذشته برسد که در زمان گذشته پدر در انتخابات شرکت کردند؟ آن زمان هم به اصطلاح مجلس بود و انتخاباتی برگزار می‌شد، اما کسی توقع نداشت نداشت رأی‌اش در انتخابات دیده شود و تأثیر داشته باشد همه می‌دانستند انتخابات واقعی وجود ندارد، شاید ماجرای معروف آقای مدرس را شنیده باشید که در زمان رضا شاه توی انتخابات مجلس شرکت کردند و بعد از انتخابات گفتند شما یک رأی هم نیاوردید! آقای مدرس گفتند: پس آن یک رأی که خودم به خودم دادم، چه شد؟! حالا سؤال این است که چه کسی بعد از هزاران سال و این سبک از زندگی اجتماعی محدود و بدون مشارکت؛ جمهوری را به کشورمان آورد؟ جمهوریت را یک مرجع تقلید برای ملت ما آورد. امام خمینی(ره) به محبوبیتی که آن زمان داشتند، هر نوع پیشنهادی می‌توانستند بدهند و هر جور حکومتی را می‌توانستند پایه‌گذاری کنند، اما سازوکارهای جمهوریت را در ایران برقرار کردند و خواستند مردم با رأی خودشان تعیین‌کننده دولت‌ها و... باشند. در حال حاضر مشارکت در انتخابات بالای ۷۰ درصد است. این میزان مشارکت برای چیست؟ چون مردم می‌دانند رأی‌شان در انتخابات مؤثر نیست، شرکت می‌کنند؟! آمار مشارکت مردم در انتخابات در حال حاضر از بسیاری از کشورهای اروپایی و غربی بالاتر است، حالا این وضعیت را مقایسه کنید با کشور دیگری مانند آمریکا که مدعی دموکراسی است، دوپست سال است که این کشور دو حزب دارد و هیچ حزب جدیدی در آن به وجود نیامده است. اگر فضای باز وجود دارد چرا این‌جوری است؟ تازه مگر این دو حزب چقدر با هم تفاوت دارند؟! قطعاً تنوع و تفاوت گزینه‌ها در انتخابات ایران از آمریکا بیشتر است. توجه کنید که تفاوت خانم کلینتون با آقای ترامپ چقدر است و تفاوت آقای روحانی مثلاً با آقای قالیباف یا حتی آقای ولایتی چقدر؟ دایره انتخاب در ایران متنوع‌تر از آمریکاست. مشارکت در آمریکا حدود ۵۰ درصد است و در ایران ۷۰ درصد! فضای رسانه‌ای ما این‌ها را به چشم نمی‌آورد. نسل جدید می‌تواند در فضای مردم‌سالاری مشارکت کند و حرف‌هایش را بزند.»

در زمان پیروزی انقلاب اسلامی، همه کارکنان فعال در نفت اعتصاب (دست از کار کشیدن) کردند و صادرات نفت به کلی متوقف شد. از طرف دیگر همه کارشناسان و مستشاران (مشاوران) خارجی از مناطق نفتی و عملیاتی بیرون رفتند و برای اولین بار، صنعت نفت کاملاً در اختیار متخصصان داخلی قرار گرفت.

شنبه ۲۱ بهمن ۱۳۹۶
۲۳ جمادی الاول ۱۴۳۹ / ۱۰ فوریه ۲۰۱۸
www.qudsonline.ir

نفت بعد از انقلاب

در زمان پیروزی انقلاب اسلامی، همه کارکنان فعال در نفت اعتصاب (دست از کار کشیدن) کردند و صادرات نفت به کلی متوقف شد. از طرف دیگر همه کارشناسان و مستشاران (مشاوران) خارجی از مناطق نفتی و عملیاتی بیرون رفتند و برای اولین بار، صنعت نفت کاملاً در اختیار متخصصان داخلی قرار گرفت.

البته این را هم باید یادمان باشد که رابطه حکومت پهلوی با کشورهای قدرتمند در دنیا مثل آمریکا خوب بود، برای همین هم راحت می توانست بشکه های نفت کشور را بفروشد و پول به دست بیاورد، اما بعد از انقلاب به خاطر تحریم های همین کشور آمریکا و چندین کشور غربی، ما گاهی حتی برای فروش نفت هم به مشکل خورده ایم، به طوری که مثلاً آمریکا کشورهایی که از ایران نفت یا سایر فرآورده های نفتی را می خرد، تهدید می کند که در صورت خرید از ایران تحریم خواهند شد.

مدت کمی بعد از وقوع انقلاب، جنگ تحمیلی آغاز شد و تأسیسات نفتی زیادی از ایران در این جنگ آسیب دید. در نخستین روزهای جنگ، پالایشگاه آبادان، یکی از بزرگ ترین پالایشگاه های جهان به خاطر حملات زیاد زمینی و هوایی دشمن، به کلی از کار افتاد و به دنبال بمباران پالایشگاه آبادان، همه تأسیسات نفت و گاز و پتروشیمی در خشکی و دریا در هشت سال تحمیلی آسیب های جدی دید.

با این حال صنعت نفت ایران بعد از انقلاب پیشرفت زیادی کرد، تعداد چاه های ایران در مناطق نفت خیز جنوب در سال ۱۳۵۰، ۷۵۴ حلقه بود و در سال ۱۳۵۷ در زمان به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی تعداد کل چاه ها به ۱۳۹۷ حلقه رسید.

با بازسازی تأسیسات، صنعت نفت ۳۸ درصد رشد را تجربه کرد و سطح تولید که در سال ۱۳۶۸ به ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار بشکه رسیده بود تا یک میلیون بشکه در روز یعنی ۳ میلیون و ۶۰۰ هزار بشکه در روز افزایش پیدا کرد. در این مدت صادرات نفت هم با رشد زیادی به میزان ۳۴ درصد مواجه شد که دلیل آن گسترش روابط بین الملل دولت به خصوص در حوزه نفت بود. قیمت نفت و درآمد صادرات نفت در طول سال هایی که از انقلاب می گذرد نوسان زیادی داشته است، اما در همه دوره ها این متخصصان و دولت ایران بوده اند که درباره این سرمایه ملی تصمیم گرفته اند.



طرح ها: http://nojavan.khamenei.ir



ویژگی های انقلاب مردمی

هر انقلابی آرمان هایی دارد که ممکن است به بعضی از آن ها برسد و به بعضی دیگر نه. شاید در گذر این چهل سال انقلاب ما هم هنوز به بعضی آرمان ها و خواسته هایش نرسیده باشد و به همین خاطر مشکلاتی هم به وجود آمده باشد، اما مهم این است که خواسته های اصلی که مردم برای آن انقلاب کردند هنوز مهم ترین خواسته و آرمان انقلاب سال ۱۳۵۷ است. مردم از ظلم پهلوی، بی توجهی به خواسته هایشان، وابسته بودن کشور و رعایت نشدن اصول دین اسلام در کشور ناراضی بودند. با انقلاب، حکومتی اسلامی به دست آوردند که مستقل است، بازچه دست کشورهای زورگو نیست، منابع مادی و پیشرفت های علمی اش به نام خودش در دنیا ثبت می شود، مردم در آن آزاد هستند تا در عین این که هنوز خواسته هایی دارند از انقلاب خود حمایت می کنند. انقلاب ما این ویژگی ها را با هدایت های امام خمینی (ره) به دست آورد و فقط این چنین انقلابی است که می تواند چهل سال در کنار همه ظلم هایی که از طرف دشمنان به او می شود، هم چنان سرزنده و استوار برای مردمش جشن پیروزی بگیرد.

نعیمه موحّد | در هفت قسمت با هم وضعیت روزهای قبل و بعد از انقلاب را مقایسه کردیم. حالا اگر کسی از ما پرسد که بعد از انقلاب در واقع چه تغییراتی در کشورمان رخ داد، می توانیم از وضعیت تحصیل، شغل و فعالیت های زنان بگوییم که بعد از انقلاب چقدر عوض شده و چقدر زنان بیشتری این امکان را پیدا کردند که با حفظ حجاب و شأن و شخصیت یک زن مسلمان در مشاغل و سطوح تحصیلی مختلف حضور پیدا کنند. می توانیم از وضعیت هنر سینما بگوییم که برخلاف تصور عدای نه تنها جمهوری اسلامی با سینما و انواع دیگر هنر مخالفت نکرد بلکه برای پیشرفت جامعه هنری هم کارهای زیادی انجام داد. با این تفاوت که محتوای تولیدات هنری طبق گفته امام خمینی (ره) در خدمت مردم و برای تربیت آن ها به کار گرفته شد. پیشرفت در علوم مختلف نظامی، دریایی فضایی و پیشرفت امکانات بهداشتی - درمانی به خصوص در روستاها از موضوعات دیگری بودند که با اسم «دستاوردهای انقلاب» درباره آن ها صحبت کردیم. آمارها نشان می داد که چقدر سطح این موضوعات در جمهوری اسلامی بالا رفته است. مقایسه بین وضعیت روستاها قبل و بعد از انقلاب و مقایسه سطح سواد مردم در دوران پهلوی و جمهوری اسلامی موضوعات دیگری بودند که درباره آن ها صحبت کردیم و کلی هم آمار و اطلاعات جدید یاد گرفتیم. هشتمین و آخرین گزارش «دستاوردهای انقلاب» یک موضوع هیجان انگیز دیگر ما دارد. آن هم مقایسه ای درباره وضعیت سرمایه ملی ایران یعنی «نفت» است. موضوعات اقتصادی به خودی خود پیچیده هستند، وقتی هم پای مقایسه وسط باشد پیچیده تر هم می شوند. آن هم مقایسه دو دوره مختلف حکومت داری در یک کشور.

پسند چه خبر بوده است؟

حوالاج

هر انقلابی آرمان هایی دارد که ممکن است به بعضی از آن ها برسد و به بعضی دیگر نه. شاید در گذر این چهل سال انقلاب ما هم هنوز به بعضی آرمان ها و خواسته هایش نرسیده باشد و به همین خاطر مشکلاتی هم به وجود آمده باشد، اما مهم این است که خواسته های اصلی که مردم برای آن انقلاب کردند هنوز مهم ترین خواسته و آرمان انقلاب سال ۱۳۵۷ است.

کتاب «در طلوع آزادی»

انقلاب ملت

شن کنی، با وقایع روزهای انقلاب آشنا می شوی، حتی می دانم که با آن اتفاقات نا آشنا نیستی و بارها ب «در طلوع آزادی» فقط به سه روز می پردازد؛ همان می منجر شد؛ ۲۱، ۲۲ بهمن ۵۷. این کتاب هم نثر اشتراک می گذارد که کمتر درباره آن ها می دانی. پس هوای بهمن ۵۷ بهاری است و نیازی به شال و کلاه ندارد.

صبحانه در خیابان

می شود. صبح بیست و یکم بهمن ۱۳۵۷ است، «صبح روز تهران صبحانه خود را در خیابان ها می خوردند. در خانه ها باز سره آکنده از دود و لاستیک های سوخته است؛ مملو از فریاد وایی سرخ شده است و صورت ها از دودی که همه جا را پر که بین مردم پخش می شود؛ «خبرها پشت سر هم می رسد؛ به دستور تیراندازی به سوی سربازان نیروی هوایی را داده بود، کلاتنری نارمک و کلاتنری های ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۴، ۱۶ و ۲۶ به سپید رحیمی به دست مردم کشته شد.»

سطح شهر دید، «موتورسوارها در حالی که مقواهایی در دست ه خون، دارو و وسایل زخم بندی نوشته شده است در سطح بر از ملافه های سفید، غذا و دارو به سوی بیمارستان ها و مراکز

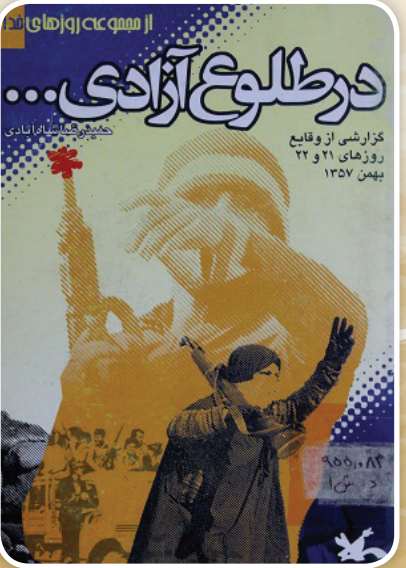
ایران یکپارچه مبارزه

عوامل رژیم پهلوی در روز بیست و یکم بهمن به تکاپو افتاده اند که از حضور مردم در خیابان ها جلوگیری کنند؛ «اطلاعیه شماره ۴۰ فرمانداری نظامی تهران که از اخبار ساعت ۱۴ رادیو پخش می شود، ساعت منع عبور و مرور را از ۱۶:۳۰ تا ۵ بامداد روز ۲۲ بهمن اعلام می کند.» کمی بعد اطلاعیه شماره ۴۱ هم صادر می شود؛ «فرمانداری نظامی تهران و حومه به حکم وظیفه و مسئولیت سنگینی که بر عهده دارد نمی تواند در مقابل عملیات وحشیانه و ضد انسانی عناصر اخلال گر و فریب خورده بی تفاوت بماند. علی هذا بدین وسیله ساعت منع عبور و مرور شبانه را تا ساعت ۱۲ روز یکشنبه ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ تمدید می کند.» اما هیچ چیز جلودار مردم نیست؛ «هزاران حلقه لاستیک در خیابان ها می سوزد. مردم همه راه هایی را که می تواند محل عبور خودروهای نظامی باشد با ماشین های سوخته، لوازم منزل، تیر آهن و تنه درختان می بندند. در خیابان سپه مردم با تیپ زرهی قزوین که می خواهد خود را به فرح آباد زاله برساند، درگیر می شوند و آن را همان جا متوقف می کنند.» روز بیست و یکم بهمن، ایران یکپارچه مبارزه است؛ «در تهران کارخانه مسلسل سازی ارتش در محاصره مردمی است که با رگبار پیاپی و همه سویه مسلسل ها هم پراکنده نمی شوند و می خواهند از هر راهی به انبار اسلحه دست پیدا کنند.»

روز خوب پیروزی

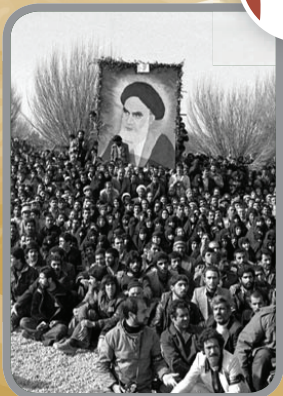
ساعت ها می گذرد و بهمن به بیست و دومین روز خود می رسد؛ «ساعت ۹ صبح روز بیست و دوم بهمن فرماندهی ارتش به دعوت ارتشبد قره باغی در شورای امنیت کشور تشکیل جلسه می دهند... کاخ سفید پس از بحث بسیار بر سر اوضاع ایران به این نتیجه رسیده است که تنها راه جلوگیری از فروپاشی ارتش، اعلام همبستگی با انقلاب مردم ایران است.»

در این روز شورای عالی ارتش، بی طرفی خود را نسبت به اوضاع اعلام می کند؛ «با توجه به تحولات اخیر کشور، شورای عالی ارتش در ساعت ۱۰:۳۰ روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ تشکیل و به اتفاق تصمیم گرفته شد که برای جلوگیری از هرج و مرج و خونریزی بیشتر، بی طرفی خود را در مناقشات سیاسی فعلی اعلام کند. «ارتش ایران همیشه پشتیبان ملت شریف و نجیب و میهن پرست ایران بوده و خواهد بود و از خواسته های ملت شریف ایران با همه قدرت پشتیبانی می کند.» اتفاقات دیگری هم رخ می دهد که مردم، نقش اول آن هستند؛ «قرارگاه ستاد بزرگ ارتش در محاصره است و پادگان لویزان، مرکز وفادارترین ارتشیان به نظام سلطنتی بعد از یک درگیری سنگین به دست مردم می افتد.» و بالاخره پیروزی انقلاب از رادیو اعلام می شود؛ «این جا تهران است! صدای راستین ملت ایران، صدای انقلاب! توجه فرمایید! توجه فرمایید! این صدای انقلاب ملت ایران است.» مردم پیروزی شان را جشن می گیرند؛ «هرچه شیرینی در مغازه ها است در خیابان ها میان مردم پخش می شود. همه دل ها جوان است. همه سبک نفس می کشند و همه امیدوارند، اما توی چشم ها و در عمق خنده ها، غمی نهفته است. در این شادی بی ریا، جای خیلی ها خالی است... در طلوع آزادی، جای شهدا خالی...»



در طلوع آزادی (گزارشی از وقایع روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن ۱۳۵۷) حمیدرضا شاه آبادی / تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان / ۳۶ ص: مصور، عکس (از مجموعه روزهای خدا)

انقلاب کرام کرام پیروزی
نزدیک من شود. صبح
بیست و یکم بهمن ۱۳۵۷
است: «صبح روز بیست و یکم
بهمن بیکار از مردم
تهران صبحانه خود را در
خیابان ها می خوردند. در خانه ها
باز است و ربط جایی به راه.
خیابان ها یکسره آکنده از دود و
لاستیک ها که سوخته است؛
مملو از فریاد و خبر خنده و اندوه.

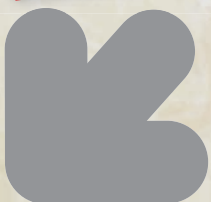




در یای من! درون نگاهت شناورم
بر گنبد زلال ضریحت، کبوترم
می آمدم کنار تو ای ناجی بزرگ!
هر وقت سقف فاجعه می ریخت بر سرم

شرمنده ام که این همه زخم کبود را
هر روز و شب به محضر پاکت می آورم
امشب دوباره رو به ضریحت نشسته ام
تو آسمان آبی و من یک کبوترم

ویژه نامه دهه انقلاب
برای نسل چهارم می ها



سلام بانو...! (۸)

منتظر آمدنت هستم
مادر...!

محمد عکاف

سلام بانو همیشه دوست داشتم یکی که «مجرمه»، «نزدیکه»، «میشه احساسم رو باهاش قسمت کنم» مادرانه دستم رو بگیره و محبتش رو بریزه تو دلم. به مادر که خط و مرزی بین من و اون وجود نداشته باشه و احساس کنم، نزدیک ترین آدم روی زمین به من. به بچه های پرورشگاه این چیزها رو گفتم، در جوابم گفتن: «اینقدر گشتی آخرش که چی؟ فقط خودت رو خسته کردی. نگرد! اون که مادر گمشده تو باشه به روزی خودش پیدا می شه...» بانو جان! حالا فقط منتظرم... یعنی پیداش میشه؟ کسی که برای دوست داشتن من، هزارتا معادله دست و پاگیرو الکی واسه خودش نچینه؟ کسی که برای دوست داشتن من مجبور نباشه پیش خودش هی مرور کنه که من کیه اون می شم و اون کیه من. دست آخر هم اونقدر با تردیدهاش دست و پنجه نرم کنه که مجبور بشه صورت مسئله رو پاک کنه. کسی که مجبور نباشم برای هر چیزی بهش توضیح بدم و دلیل بپارم. دست آخر هم احساس کنم چقدر بیهوده برای اثبات چیزی که وجود داشته تلاش کردم. آخه کدوم آدم عاقلی برای اثبات آفتاب هم باید جواب پس بده...
امسال ایام فاطمیه شما با بچه های پرورشگاه برای مادر گمشدم دعا خوندم، توی عبادت هام مهمونش کردم و آخر شبها توی تنهاییم باهاش حرف زدم...
بانو جان! منتظرش می مونم که مادر گم شدم بیاد، هرچند که نمی دونم کی میرسه. منتظرش می مونم تا همه حرف های نگفتم رو برانش بگم. نمی دونم کی هست و کجاست، اما منتظر آمدنش هستم...!



تقویم را ورق بزن
۲۱ بهمن ۱۳۵۷

روزها روزهای حکومت نظامی است، اما مردم دیگر شب و روز نمی شناسند. درگیری بین مردم و نیروهای گارد بیشتر و بیشتر شده است. ساعت ۱۰ صبح ۲۱ بهمن ۱۳۵۷ اسلحه خانه نیروی هوایی به همت مردم و کمک همافران فتح و مردم مسلح می شود. حالا قدرت مردم برای مبارزه با نیروهای گارد بیشتر شده است. ساعاتی بعد خبر جدیدی می رسد. کلاتری های ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۶، ۲۶ و کلاتری نارمک به دست مردم افتاده است. شور و هیجان در بین تکتک مردم دیده می شود. جوانان در کوچه ها و خیابان ها خیرها را دهان به دهان به گوش بقیه می رسانند و به یکدیگر تبریک می گویند. مردم تاکها و نفربرها را به خیابان ها آورده اند و به هم روحیه می دهند. دسته دسته سوار بر تاکها می شوند و در خیابان ها حرکت می کنند. فرمانداری نظامی دست پاچه شده است و تصمیم می گیرد ساعت های تردد مردم را محدود کرد. اخبار رادیویی ساعت ۱۴ اعلامیه فرمانداری نظامی تهران مبنی بر برقراری حکومت نظامی از ساعت ۱۶:۳۰ به بعد را قرائت می کند. این ممنوعیت تردد و ایجاد حکومت نظامی نشان می دهد که آمریکا می خواهد آخرین حربه خود را به کار برد. ساعت های تعیین سرنوشت فرا رسیده است. همه منتظرند ببینند امام خمینی (ره) در برابر این تهدید جدی چه عکس العملی نشان می دهد.

اندکی قبل از آغاز حکومت نظامی، اعلامیه امام که در آن حکومت نظامی را لغو کرده است در شهر دست به دست و دهان به دهان منتشر می شود. امام گفته است: «اعلامیه امروز حکومت نظامی خدعه و خلاف شرع است و مردم به هیچ وجه به آن اعتنا نکنند. برادران و خواهران عزیزم هراس به دل خود راه ندهید که به خواست خداوند تعالی حق پیروز است.» ساعاتی بعد پیام امام خمینی خطاب به مردم مبنی بر ناپدید گرفتن حکومت نظامی و حضور در خیابان ها منتشر می شود. مردم به خیابان ها می ریزند. در نقاط مختلف شهر درگیری آغاز می شود. شب بیست و دوم بهمن که فرا می رسد درگیری بین نیروهای گارد و همافران ارتش شدت می گیرد و مردم به کمک همافران می آیند. درهای پادگان ها با مقاومت مردم یکی یکی باز می شوند و سلاح و ادوات نظامی به دست مردم می افتند. تا پیروزی یک سحر باقی است!

روزنامه های صبح شنبه ۲۱ بهمن ۱۳۵۷ حال و هوایی متفاوت داشت. صفحات روزنامه خبر از درگیری های خونین تهران داشت. باهم تیترو روزنامه ها را مرور می کنیم: «نبردهای خونین میان واحدهای مسلح در تهران»، «۶۳ کشته به ۲ بیمارستان جرجانی و بوعلی انتقال داده شده، عده کشته ها و زخمی ها را از نظر کثرت هنوز نمی توان تأیید کرد»، «گروهی از افراد گارد خلع سلاح شدند»، «در وقایع خونین شهرستان ها ۲۸ نفر کشته شدند»، «منطقه فرح آباد تا تهران نو به اشغال همافران مسلح در آمد»، «گروهی از افراد گارد خلع سلاح شدند» حالا با هم یکی از گزارش های خواندنی ۲۱ بهمن را می خوانیم که از حوادث تهران می گوید



۲۱ بهمن ۱۳۵۷ در روزنامه ها چه گذشت؟

گزارش یک حادثه

مردم به کمک می آیند

گزارش دیگر خبرنگار ما حاکی است که هم زمان با این درگیری مردم با روشن کردن چراغ های اتومبیل خود و بوق زدن ممتد سایرین را در جریان قرار می دادند. در این ساعت از شب تعدادی لاستیک آتش زده شد و مردم دست به تظاهرات زدند. گروهی نیز اعلام داشتند که نزدیک ۱۵۰ نفر از تظاهرات کنندگان توسط افراد فرمانداری نظامی دستگیر شدند.



درگیری های امروز تهران

تهران امروز چهره ای کاملاً غیرعادی داشت در پی حوادث شب گذشته و ماجراهایی که در شرق تهران گذشت، امروز نیز تظاهرات گسترده ای در نقاط مختلف تهران صورت گرفت. شایعاتی که در مورد تیراندازی های دیشب و کشته شدن افراد نیروی هوایی از شب گذشته تهران را به خود مشغول کرد موجب شد که از ساعت هشت صبح امروز در خیابان های فرح آباد، ژاله، تهران نو، اطراف میدان شهناز، مقابل پادگان نیروی هوایی در دوشان تپه و مقابل بیمارستان جرجانی تظاهراتی از طرف مخالفان دولت انجام گیرد. گزارش گروه های سیار خبرنگاران اطلاعات، که به نقاط مختلف و مراکز تظاهرات رفته اند حاکی است که بامداد امروز کارکنان اعتصابی شهرداری و سازمان برق منطقه ای در میدان ژاله جمع شدند و به عنوان اعتراض به وقایع دیشب دست به تظاهرات زده اند این عده فریاد می زدند: «مسلمان به پا خیز همافرت کشته شد...»

حمله گارد شاه به همافران

شب گذشته ناگهان شهر تهران حالت عادی خود را از دست داد و اضطراب و نگرانی بر ساکنان پایتخت حکم فرما شد. حدود ساعت ۹ شب ناگهان در شرق تهران تیراندازی های مکرر به گوش رسید و مردم از خانه ها بیرون ریختند و بار دیگر بانگ الله اکبر تهران را فرا گرفت. حوادث در ۲ منطقه شرق تهران به وقوع پیوست. گفته شاهدان عینی و تلفن هایی که در حدود ساعت ۱۰ شب به روزنامه شد حاکی از این بود که سربازان داخل پادگان دوشان تپه با کشتن الله اکبر از مردم کمک می خواهند. علت کمک خواستن این عده بنا بر اظهار اهالی اطراف دوشان تپه حمله یک دسته از افراد گارد جاویدان به داخل پادگان و تیراندازی به طرف سربازان داخل پادگان بوده است.

از سویی دیگر، در مقابل بیمارستان جرجانی نیز در پادگان نیروی هوایی تیراندازی شد و میان افراد نیروی هوایی و افراد گارد درگیری به وجود آمد. ساعت ۱۰ شب هنگامی که خبرنگاران و عکاسان روزنامه به مقابل پادگان رفتند کلیه خیابان ها و اطراف پادگان و بیمارستان جرجانی توسط سربازان و مأموران فرمانداری نظامی و گارد محاصره شده بود. دیشب شایع بود که تعدادی از همافران را در پادگان اعدام کرده اند. همچنین گفته می شود هنگامی که افراد نیروی هوایی در داخل پادگان برنامه استقبال از حضرت آیت الله خمینی را از تلویزیون مشاهده می کردند با فرستادن صلوات به امام خمینی ابراز احساسات می کردند و همین مسئله موجب درگیری میان افراد نیروی هوایی و سربازان گارد گردید.

همافران در ستاد امام

دیشب بلافاصله پس از انتشار خبر حمله گارد به خوابگاه همافران و به هم ریختن اوضاع تهران (بخصوص شرق تهران، نیرو هوایی، فرح آباد و ژاله) تلفن های ستاد روحانیت نخست وزیری موقت و منزل امام خمینی به کار افتاد و تقریباً اغلب کسانی که می خواستند از واقعیت ماجرا خبردار شوند با این دو محل تماس می گرفتند. خبرنگار سیاسی اطلاعات نیز در ساعت یک بامداد توانست با یکی از نزدیکان امام خمینی در محل اقامت ایشان تماس بگیرد و واقعیت ماجرا را بپرسد. مقام نزدیک به امام اظهار داشت به علت آنکه گروهی از همافران پس از حادثه به منزل امام پناهنده شده اند بهتر است واقعه را از خود آن ها سؤال کنید.



شاهد عینی از حادثه می گوید

لحظاتی بعد تماس با همافران پناهنده برقرار شد. یکی از آن ها که اسمش حسین... بود اظهار داشت به محض آنکه رادیو اعلام کرد فیلم بازگشت امام خمینی بلافاصله پس از اخبار هشت و نیم تلویزیون نمایش داده می شود، ما در دسته های دوپست نفری به سالن هایی که تلویزیون در آن نصب شده رفیقیم. هنگامی که تصویر امام در صفحه تلویزیون ظاهر شد همافران سه بار صلوات فرستادند و به نفع امام خمینی (ره) شعار دادند. لحظاتی بعد گاردی ها که از مدت ها پیش در محل اقامت و تعلیم ما مستقر شده بودند با تانک هایشان به خوابگاه ها حمله کردند. هنگامه غریبی پیا شد به طوری که هیچ کس نمی دانست چه کند. از طرفی مردم در بیرون محل اجتماع کرده و تظاهرات می کردند. چراغ ها را خاموش کردیم و بعد تیراندازی از هر طرف به سوی ما در جریان بود. بعضی از رفقای ما به دام افتادند و بعضی با استفاده از تاریکی شب و کمک مردم از مهلکه گریختند و تعدادی نیز به منزل امام پناهنده شدند. همافر پناهنده افزود اطلاعاتی از تعداد کشته ها و مجروحان ندارد ولی فکر نمی کند که تعداد زیادی از همافران آسیب دیده باشند چون کمک مردم در فرار دادن همافران واقعا مؤثر بود.